

بخش پنجم

بیان است مبارک حضرت علی علیه السلام در جواب سؤالات یکی از ارباب جاهل
 سالفه فسیکو مورخه ۳۰ اکتبر ۱۹۱۲
 سؤال آیا حکمت الهیه است که بطبع بزرگ موافق واقع شد است جواب
 اعمی که این معنی است به نسبت موجود است معنی عالم
 و خلاصه ازین طرز و تحصیل میکنند روش در تزیینت اداره
 حکومتش منظم است ترقی تیش مستر است در جهان وزارت و کسلی
 اینها در عالم ماده است مردمان متدنی دارد در میان مفسرین و علی
 نفسی و در عالم ماده غرق می بیند مدنی ماده مکل است در محتاج
 درینست آسان است محتاج مدنیست آسان است سؤال مدنیست
 آنچه یعنی چه جواب مدنیست آسانی روح است و مدنیست مادی از حاج
 مدنیست آلیه روح است و مدنیست مادی جسم مدنیست جهانیست کانیست
 نکرده انسان از جهات مادیه محتاج بدنیست آلیه است مدنیست
 جهانیست کالات طبی حاصل شود از مدنیست آلیه کالات معنویه
 جلوه نماید مدنیست جهانیست خدمت به عالم است که مدنیست آلیه
 خدمت به عالم اخلاق نماید مدنیست آلیه کالات عالم انسان است
 مدنیست آلیه تدبیر اخلاق است مدنیست آلیه کالات عالم
 ایشان است مدنیست آلیه حکمت مادی و طبی است مدنیست آلیه
 خدمت است بدلیل و برهان عقلی مدنیست آلیه حقیقت است مدنیست
 آلیه بقا روح است مدنیست آلیه نفیست روح القدس است

مدنیست آلیه نفیست آسان است مدنیست آلیه حقیقت قیام جمیع انبیا
 سفیست مدنیست آلیه صلح عمومی و وحدت عالم انسان است مدنیست
 مدنیست آلیه مرس مدنیست آلیه بستند و علم نوع بشر و سبب تزیین
 و تقدیس عالم انسان است سؤال آیا لذت ابریکه را می بینی جواب
 است ابریکه میماند نوازند غریب پروراند است بگویی بستند من نوازند
 جمیع آنها را نمی بینم سؤال شنیدم که تقسیم مادی حقوق بین جاهل
 دن سید پیر چون زنهای ابدیت کالیفرنیا در مکر آنند که حقوق
 خود را بکف بیاورند تا بتوانند در وقت ثواب شمس ظهور و کلا و شرف
 و حکم مادی طاعت خود پذیرند و ای برهند لهذا تا این جرمیه با سبب
 میشوند اگر حقانند بعد از درین سسوه بسیار هم خوانند جواب سادات
 حقوق مردوزن در امریکه بهتر ازس توجهات است در دوزخ در امریکه
 و کاتاست تا مدتی چون ذکر و انانث در حقوق جاهل خود عالم انسان
 ترقیت حادق معاده نیه زمان یک رکن هم از دور کن عظیم اند
 و اول مسلم و بر بپ انسان زیر اسم طفل خود پال و در زندگان شین
 اخلاق کنند و اطفال را تربیت نمایند بعد در مدارس گبری تحصیل
 میکند حال اگر مسلم و بر بپ ناقص باشد چگونه مرد بپ کامل گردد پس ترقی
 است سبب ترقی مردان است لهذا پیران تا تربیت کامل نمود
 تا درجه رجال برسند زمان هم همان تعلیمات و مهارت است
 تا پیش نکرده حیات مشترک با روحان اند و کالات عالم انسان در کمال

بخش پنجم

دوسته شکر که در کمال لذت است و در محرق است علم است
 در حال است یک بال ذکر است یک بال دانش هر دو بال قوی است
 تا عالم است نه بر آنکه اما یک بال قوی و یک بال ضعیف مرغ پرواز
 کند حرکتش لطیف است خداوند هر دو را به خلق کرده و در جمیع قوی
 شرک فرموده هیچ امتیازی نکرده چیزی را که خداوند نکرده چگونه
 بدیم ما باین سبب است که ششم در این گذشت در عالم هر دو
 نیز ذکر و دانش است اما هیچ امتیازی در میان نیست در عالم است
 ذکر و دانش است هیچ امتیازی نیست با وجود آنکه در عقل محروم
 قوه میزانه ندارند تا که بعضی عقل موفقیه و قوه میزانه داریم چگونه
 چیزی را در او داریم که فی نفس عقل است خوب زیاده که نهایت ترقی
 نمودن آنچه در میان است بهائیان نفس است که نهایت
 و قابلیت و ادب و علم در تربیت را دارند چون نظر تاریخ کنیم
 عیناًیم که در نهایی متعدی پدید شد در عالم سیاسی نظیر و نوبیا
 یا لیرا که ازین تفاوت پدید آمدی در میان را که نظیر کلمه ترا نهایت
 قدرت را از او داشت در عالم دین است و علم کنیم بنی اسرائیل چنان
 تیه مانند فتح ارض مقدسی را نتوانسته نهایت زنده سبب که در
 مقدسی فتح شد در زمان حضرت مسیح و خلق کنیم بعد از آنکه حواری
 مضروب شدند حتی پلوس کپرسه مرتبه حضرت مسیح را که کرد
 و در یم مجله سبب ثبات و استقامت آنها شد و خداوند عظیم
 بدین سبب که در دور حضرت بهائیه زمانه چه مانند قوه این
 نهایت علم و قدرت را هر نکرده از جمله حاکمان که در عروج
 و نهایت است و این نشان می دهد در علوم دینی در زمان آیه از بود
 از حدیثش جهان صحنه که مصائب غلبه در پس آشی کشید که در استقیان
 خویش مثل سلطان الهی در آغشته در خون دیده با در این
 خور این حاصل نمود و با نفس اخیر در مصائب شریف بود و توبه

است در راسخ بود که جهان عظیم عاجز بود نه در علم و فضل و خلق
 و همچنین دیگران سؤال مقصود مبارک که در سفر مبارکی چه بود جواب
 من مبارکی آمد نام که ترویج صلح عمومی و وحدت عالم است نه نام مبارکی
 سبب است و نه است سؤال در باب بسیاری زبان امر که چه سبب است
 جواب ما نظریه پس نداریم ما نظریه ای نداریم اگر لایس با غنچه است
 باشد و معروف باشد و حسن اخلاق داشته باشد و بجز از دیگران
 پیش ما مروج و محترم است هر لایس بخواد داشته باشد ما کاری نداریم
 در نداریم سؤال عظیم چه کنید در مبارکی دیدن و چه بوده است جواب
 و عظیم چیزی که در مبارکی دیدیم حیرت است نه البته این است از است
 در این حکومت عادل سؤال در باب جنگ غلامی و مالک کند با لکان
 چه سبب است جواب با جنگ کاری نداریم لذا از صلح پس از عالم
 صلح خبر داریم سؤال جنگ در اهل جنگ بنا و صلح امروز عظیم امری است
 در عالم است نه همه در آن امری نیست سبب همیشه عالم از پیش
 سبب سادت نوع بشر است سبب است بین جمیع خلق است سبب
 در باطن شرق و غرب است سبب است یقین است و عظیم در است
 ما جمیع با یکدیگر تا علم صلح کرده وحدت عالم است نه در اتحاد جمیع نوع بشر
 موافق گردد
 بقیه محبت در سخن بسم در شان است
 علویت و منونت نه بلکه جهات قدر در آن است که برین نوع هر دو یکسان
 در قیامت حاصل گردد باطلان عالم است نه غیر کامل ذوقه لاهوت است
 طبعاً تطبیح و عمل مکرر و یب با یکدیگر در جهان است یا با خود عیبها
 تشبه فرموده مانند بگردد در بخوار جهان منکر در آن و قاضی در است
 و نه اوقات در و اشارات در که آن بنامیه و چون در مجلس بر خیزند
 هر یک بجای رفته و سادت ثوب خود نهادی جویند پس با در است
 از ارزش محبت و صلح عمومی در مقرب حفظ با طریقت بر خیزند

